

## يك نسخه نفيس

بخط خواجه نصير الدين طوسي و امضاهای

الخديك و سلطان احمد جلایر

عباس اقبال

مقاله ای که درین صحایف درج میشود بقلم مرحوم عباس اقبال و در باره يك نسخه نفيس بخط خواجه نصير الدين طوسي است . این مقاله در جزء اوراق و نوشته های آن مرحوم است که به تصرف کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در آمده است اگرچه آن مرحوم ظاهراً آنرا در مجله اطلاعات هفتگی یا ماهانه طبع کرده بوده است ولی چون دسترسی به آن مقاله در مجله مذکور برای اهل تحقیق آسان نیست تجدید طبعش مناسب و مفید دانسته شد .

### محمد تقی دانش پژوه

شهر استانبول پایتخت سابق دولت عثمانی و مرکز خلافت ششصدوسی و دو ساله سلاطین آل عثمان از جهت کتابخانه‌های متعدد و وجود نسخ خطی بسیار ذیقیمت بزبانهای عربی و فارسی و ترکی در دنیا بی نظیر است یعنی در حقیقت خزانه های نفیسی از این نسخ در آنجا باقیست که بعضی بکلی نادر و منحصر بفردند و بعضی دیگر از جهت قدمت و نفاست در هیچ جاتالی و مانند ندارند .

سلاطین آل عثمان که خود را مجاهد و مروج دین اسلام میشمردند و در بنای مساجد و جوامع جهدی وافی داشتند بعلاوه یا خود اهل ذوق و ادب بودند یا بسیره زمان باهل ادب تشبه میکردند غالباً برای هر يك از مساجدی که میساختند کتابخانه بزرگی نیز ایجاد مینمودند بهمین نظر از فتح ممالک وسیعهای که بدست ایشان مسخر شد از هر جا بعنوان غنیمت و غارت کتب بسیار نیز باستانبول آوردند و سلاطین و بزرگان اطراف هم بعنوان هدیه و ارمغان اکثراً اوقات نسخه‌های نفیسی برای ایشان میفرستادند و در این روش پسندیده یعنی تأسیس کتابخانه وزرا و اعیان و امرای عثمانی نیز غالباً

از سلاطین خود تقلید مینمودند .

گذشته از این اسباب حمله مغول و استیلای تیمور بر ایران عده کثیری از فضایی ماوراءالنهر و خراسان و عراق و آذربایجان را بفرار بقلمرو سلاطین عثمانی و پناهندگی بدربارایشان مجبور ساخت و در این پیش آمد نیز بسیاری از نسخ خطی از نواحی فوق و نقاط دیگر راه استانبول را پیش گرفت و همین امور و سعی بلیغ سلاطین آل عثمان و زمامداران دیگر آن دولت در حفظ کتب قدما و مصون ماندن استانبول از استیلای بیگانگان وحشی بر آن باعث آمده است که این همه آثار گرانبها در آن شهر باقی و محفوظ بماند .

باتمام این احوال نباید تصور کرد که از کتب خطی استانبول چیزی تلف نشده و عموم نفایس علمی و ادبی که از ابتدا در آنجا جمع آمده بوده است همچنان باقی مانده است . اگرچه استانبول آفات زیادی نظیر حمله مغول یا سفاقت‌هایی از نوع کتاب سوختن اهل تعصب را بخود ندیده است لیکن آفت دیگری چند بار بآن صدمه کلی زده و بسیاری از کتابخانه‌های قیمتی آن را از میان برده است و آن حریق بوده است که بعلت چوبی بودن غالب بناها در استانبول چند دفعه قسمت عظیمی از این شهر را طعمه خود قرار داده و در ضمن آن مقدار کثیری کتاب را نیز سوخته است بطوریکه یکی از فضایی ترک میگفت که صدمه این حریقها در اتلاف کتب خطی از صدمه حمله مغول بر ایران کمتر نبوده است .

باوجود این کیفیت چنانکه گفته شد باز هنوز استانبول از جهت کتاب خطی و کتابخانه گنجینه پر قیمتی است که شاید هنوز هم عالم علم و ادب بگرانبهائی و نفاست آنها چنانکه باید پی نبرده زیرا که تا کنون تمام محتویات آنها يك بيك تحت نظر دقت کافی نیامده و از لحاظ علمی خبرگان فن باحوال تمام آنها نرسیده اند و غیر از چند نفر از مستشرقین محقق که هر کدام بملاحظات بیعضی از قسمتهای آنها توجهی نموده اند دیگر کسی چنانکه شایسته است باین کار دست نزده .

در دولت سابق عثمانی از يك عده از این کتابخانه‌ها فهرستهائی منتشر ساخته اند ولی آن فهراس هم بسیار ناقص و مختصر و هم سطحی و حاوی اغلاط عديده است بطوریکه

از آنها کمتر مشخصات نسخ و حقیقت حال کتاب و مؤلف آن بدست می آمد اخیراً از طرف دولت ترکیه انجمنی مشغول انتشار فهرست کلیه کتابخانه‌های استانبول شده‌اند و چندین جزوه نیز از قسمت کتب تاریخی و جغرافیائی که بزبانهای عربی و ترکی و فارسی است انتشار داده‌اند ولی این فهرس هم بدبختانه بزبان ترکی جدید و بالفبای لاتینی است و بعلمت کم مایگی مؤلفین هرگز نمیتوان آنها را از نوع فهرسی که مستشرقین اروپائی از کتابخانه‌های پاریس و لندن و لیون و وینه و غیره منتشر کرده‌اند دانست. فضلالی مصر که از نیم قرن قبل یعنی از عهد دانشمندانی نظیر احمد تیمورپاشا و احمد زکی پاشا با اهمیت نسخ عربی کتابخانه‌های استانبول پی برده‌اند اینک چندسالی است که هیأتی را که بصیر و خبیرند و اعتبارات کافی نیز از طرف دولت خود در اختیار دارند باین شهر میفرستند و جمیع کتبی را که مفید و لازم تشخیص میدهند عکس بر میدارند و برای استفاده عام بکتابخانه عمومی قاهره میفرستند.

نسخ نفیسه فارسی استانبول هنوز چنانکه باید مورد تحقیق و تفحص قرار نگرفته و دولت ما در این باب هیچگونه توجهی که لازم بلکه واجب است ابراز نداشته و آنچه را هم که تا کنون کرده بدبختانه بدست کسانی سپرده است که این کار را یا وسیله استفاده شخصی قرار داده و یا از آن راه کوشیده‌اند که بر رونق بازار فضل‌فروشی خود بیفزایند. در این میان ایرانیان باید بیش از همه ممنون تحقیقات و تفحصات دو نفر دانشمند اروپائی باشند که در طی چند مقاله يك عده از نسخ نفیسه فارسی استانبول را بدنیاسناسانده و چند عدد از آنها را نیز منتشر ساخته‌اند و این دو مستشرق فاضل یکی پرفسور ریتز Prof. H. Ritter آلمانی است که سالها در استانبول ریاست جمعیت مستشرقین آلمانی را داشت و هنوز هم بشعر و عرفان و ادب ایران علاقه ای شدید و بی‌شائبه میورزد دیگر فلیکس تاور F. Tauer از مستشرقین چکوسلواکی که فهرست جامعی از نسخ خطی فارسی در موضوع تاریخ باجمیع مشخصات آنها انتشار داده‌است.

بعد از این مقدمه اینک میپردازیم باصل موضوع مقاله :

در ضمن نمایشی که دولت ترکیه بمناسبت انعقاد بیست و دومین انجمن بین‌المللی مستشرقین در استانبول (از ۲۶ تا ۳۱ شهریور امسال) از يك عده از نسخ نفیسه کتابخانه‌های

استانبول ترتیب داده بود تصادفاً نظر اینجانب بیک نسخه خطی از ترجمۀ فارسی کتاب صور عبدالرحمن صوفی افتاد و پس از دقت بیشتر دریافتیم که ترجمه از خواجه نصیر الدین طوسی است بلکه نسخه مزبور سراسر بخط دست خود خواجه و در حقیقت نسخه اصلی است و علاوه بر این مزایا امتیازات دیگری نیز دارد.

ابوالحسن عبدالرحمن بن عمر صوفی (مجرم ۲۹۱ - مجرم ۳۷۶ هجری قمری) از مردم شهرری از بزرگترین منجمین و علمای رصد عهد عضدالدوله دیلمی است و عضدالدوله با آن همه شکوه سلطنت و جلالات مباهات میکرده است که همچنانکه در نحو شاگرد ابوعلی فارسی است در نجوم شاگرد عبدالرحمن صوفی محسوب میشود. این دانشمند جلیل‌القدر که بعدها در روی کوه طبرک ری رصدی بامر و بنام فخرالدوله بنا نموده برای آشناساختن عضدالدوله بمبادهی نجوم و شناساندن کواکب ثابته و صور آسمانی با و کتابی عبری نوشته است که آنرا صورالکواکب الثابته یا صور السمائیه میخوانند و آن باختصار بصور عبدالرحمن نیز معروف است و از آن نسخ بسیار در کتابخانه‌ها هست که در اکثر آنها نیز صور آسمان را بشکلی که قدما تصویر مینموده نقاشی کرده اند.

کتاب صور عبدالرحمن از آن جهت که مؤلف آن از بزرگترین منجمین اسلامی و از مفاخر ایران و از هه شهریان طیب و حکیم بزرگ محمد بن زکریای رازی است از مشهورترین کتب نجوم و از کتب درسی طلاب این فن بوده و در شأن آن همین بس که مرد دانشمند ذیقدری مثل خواجه نصیر الدین طوسی که بحق او را استاد البشر میخوانده‌اند آنرا از عربی بفارسی ترجمه کرده است.

در مقدمه این ترجمه چنانکه از تصویر شماره ۱ میتوان دریافت خواجه چنین میگوید :

« این کتاب صور کواکب است که بالتماس بعضی دوستان از تازی بیارسی کرده میشود بتوفیق الله و عونه و آغازش اینست چنین میگوید عبدالرحمن بن عمر معروف بابوالحسن صوفی... » و در آخر نسخه چنین مرقوم است :

« تم الکتاب از ترجمه و نسخ این کتاب فراغت افتاد بموفق الله تعالی در دو شبه بیست و پنجم ذوالقعدة سنه سبع و اربعین و ستمائه هجری ».

بدبختانه محل تحریر نسخه معین نیست ولی از تاریخ آن که سال ۶۴۷ است مسلم میشود که خواجه آنرا هفت سال قبل از آنکه بخدمت هولاکو که سال ۶۵۴ است پیوندد ترجمه کرده و آن تاریخ قریب بده سال از ابتدای بنای رصدخانه مراغه و شروع بیستن زیج ایلخانی زودتر بوده است و شاید هم خواجه این کار را بدعوت یکی از دوستان خود در ایام اقامت در دستگاه اسماعیلیه قهستان که اصراری در ترجمه کتب علمی از عربی بفارسی داشته‌اند کرده باشد.

در پشت ورق اول نسخه چنین نوشته شده است: « کتاب ترجمه کتاب الصور الکواکب الثابته مرقوم بانه بخط مترجمه الخواجه نصیر الطوسی من کتب النجوم » در وسط همین صفحه متمایل بدست چپ چنین مرقوم است: « لاجوج خلق الله الیه الغ بیک » از ملاحظه چنین عبارت هیچ شبهه نمی‌ماند که این نسخه بعد ها بتصرف الغ بیک بن شاهرخ نواده امیر تیمور بانی زیج معروف الغ بیک در آمده و چون قبلا نسخه مزبور در تصرف سلطان احمد جلالیر (۷۸۴ - ۸۱۳) بوده احتمال قوی می‌رود که در حمله دوم تیمور ببغداد و تصرف آنجا در اواخر سال ۸۰۳ و فرار سلطان احمد بشام این نسخه را که احمد در سال ۸۰۲ در پای تخت خود شرح مرقوم در فوق را در حاشیه صفحه آخر آن نوشته است با خود بسم قند آورده باین شکل بدست نواده این امیر جهانگشا افتاده باشد.

هیچ معلوم نیست که این نسخه نفیس که در ۶۴۷ بهر حال در خراسان ترجمه و تحریر شده و علی الظاهر همیشه همراه خواجه نصیر بوده و در آخر کار جزء کتابخانه بسیار نفیس رصدخانه مراغه گردیده چگونه پس از مرگ آن مرد دانشمند ببغداد رسیده و بملکیت سلطان احمد جلالیر (۷۸۴ - ۸۱۳) پسر چهارم سلطان اویس و چهارمین پادشاه سلسله ایلکانیان در آمده است.

سلطان غیاث الدین احمد جلالیر که زود خوردهای او با امیر تیمور و مقاماتش با قرايوسف تر کمان و ایلدرم، سلطان عثمانی، و برقوق پادشاه مصر و فرارهای او بشام و

مصر معروف است با وجود بی‌رحمی و سخت‌کشی و دنائت طبع بعلم و ادب پروری شهرت داشته و از دوپای تخت خود تبریز و بغداد صیت شعر و ادب دوستی او را در نواحی اطراف همه شنیده بوده‌اند و این همان سلطان احمد است که گوینده بزرگ خواجه حافظ شیرازی در باب او میگوید:

احمدالله علی معدلة السلطان

احمد شیخ‌اویس حسن ایلک‌کانی

و در این مقطع غزل دیگری بازبوی اشاره میکند و میفرماید:

عراق و فارس گرفتی بشعر خود حافظ

بیا که نوبت تبریز و وقت بغداد است

نفاست دیگر این نسخه که از کتب کتابخانه مشهور ایاصوفیه و شامل ۱۳۴ ورق است اینک در آن ۶۹ تصویر از صور آسمانی بوضعی بسیار ظریف نقاشی شده و چون تاریخ کتابت نسخه سال ۶۴۷ یعنی هشت نه سال قبل از استیلای مغول بر ایران است از آن جهت که این تصاویر پیش از آنکه نقاشی مغولی و چینی در ایران نفوذ یا بدساخته شده حائز اهمیت مخصوص است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی